



فرمانده امنیت سایبری شما را تحت نظر داشتیم!

رسوایی‌های اخلاقی و اطلاعاتی فاش شدن اطلاعات وزیر جنگ سابق رژیم صهیونیستی

گروه هکری حنظله در ادامه افشای اطلاعات خود تصاویری از بنی گانتز، سیاستمدار ارشد و وزیر جنگ سابق رژیم صهیونیستی را منتشر کرد. حنظله در توضیحات خود نوشت که سران این رژیم باید با چند سوال به افکار عمومی خود پاسخ دهند:

۱- رابطه مخفیانه آدی ساپاک و گالانت در اتاق تخت قرمز طبقه ۱۶ برج ماتکال و درز برخی اطلاعات طبقه بندی شده توسط گالانت و جاسوسی آنلاین موبایل آدی در آن لحظه را توضیح دهید.

۲- رابطه پنهانی پزشک معتمد نتانیاهاو و بنی گانتز در هتل ساوی لندن و انتقال برخی اطلاعات محرمانه از بی بی نتانیاهاو) به گانتز توسط آن پزشک را توضیح دهید.

۳- خودکشی نوگا، دختر گانتز پس از شنیدن ماجرای رابطه پنهانی پدرش که فقط به دنبال اطلاعات بیشتر از بی بی نتانیاهاو) بود.

تمام اطلاعات مقامات تان را لوم می دهیم!

فاش شدن اطلاعات ژنرال جنایتکار صهیونیست مورد دیگر، افشای اطلاعاتی در مورد ژنرال جنایتکار، یعقوب آیینش وابسته نظامی رژیم صهیونیستی در ایالات متحده و کانادا است. گروه حنظله در رابطه با او نوشته: «آیینش به مدت ۳۰ سال در ارتش رژیم صهیونیستی با عناوین مانند رئیس شعبه عملیات در ستاد کل رئیس ستاد فرماندهی نیروی زمینی در طول جنگ دوم لبنان خدمت کرده است. او یکی از ژنرال‌های عالی رتبه ارتش جنایتکار صهیونیستی است! او در جنگ دوم لبنان جنایات زیادی مرتکب شد. در روزهای اخیر شنیدیم که او درباره علی‌حزب‌الله و بازگشت مردم به شمال غزه و انکس‌هایی نشان داده است! ما صدها گیگابایت از محرمانه‌ترین اطلاعات نظامی و شخصی او را با هک کردن سیستم این جنایتکار در اختیار داریم. صبر ما به پایان رسیده است، اگر جنگ تمام نشود، تمام اطلاعات بلندپایه‌ترین مقامات امنیتی و نظامی رژیم را لو می دهیم. حتی تصور اینکه اطلاعات کدام ژنرال‌های شما در دستان ما است، برای شما می تواند آزاردهنده باشد.»

از گنبد آهنین تا سامانه‌های راداری نفوذ به بسیاری مراکز مهم نظامی

بی‌شک این حجم از نفوذ گروه‌های سایبری به مراکز داده، سازمان‌ها و تجهیزات شخصی سران و فرماندهان رژیم صهیونیستی، خبر از استهلاک در قوای امنیت سایبری این رژیم میدهد، تا جایی که رئیس امنیت سایبری رژیم صهیونیستی نیز از حملات سایبری در امان نیست. البته این تنها حملات علیه رژیم صهیونیستی نیست. گروه هکری حنظله طی ماه‌های اخیر حملات سایبری متعددی از جمله هک سیستم گنبد آهنین، هک سامانه‌های راداری رژیم صهیونیستی، هک سیستم جامع امنیتی شاپاک و هک سیستم کارخانه تسلیحات سازی silver shadow رژیم صهیونیستی را انجام داده است که تمامی این حملات، با موفقیت همراه بوده است و این گروه هکری بخشی از اطلاعات به دست آمده را منتشر کرده است.

بله، به ما حمله شده! اعترافات روزنامه صهیونیستی هاآرتس

همان‌طور که در هاآرتس ابتدا اشاره کردیم روزنامه هاآرتس به موضوع نفوذ سایبری به رژیم صهیونیستی اعتراف کرده. هاآرتس همچنین فاش کرده نهاد محافظت سایبری اسرائیل حاضر به اظهار نظر در رابطه با این نفوذ نشده و خبرنگاران این رسانه را به دفتر نخست‌وزیری ارجاع داده است. شاپاک هم حاضر نشده اطلاعاتی در این رابطه اعلام کند.

نباید با آتش بازی می کردید!

← مروری به ضربات پی‌درپی گروه‌های هکری به رژیم صهیونیستی

[شهروند] ماجرای حملات هکری علیه اسرائیل روز به روز گسترده‌تر می‌شود؛ تا جایی که حتی روزنامه‌ها و رسانه‌های صهیونیست هم به آن معترف شده‌اند. از جمله روزنامه هاآرتس در شماره روز دوشنبه خود اعلام کرد هکرها اخیراً تصاویری را که از داخل مرکز تحقیقات هسته‌ای (سوریک) گرفته شده، در کنار اسکرین‌شات‌هایی که بیانگر نام شماری از دانشمندان هسته‌ای شرکت‌کننده در پروژه شتاب‌دهنده ذرات در این تأسیسات فعال هستند، منتشر کرده‌اند. در این گزارش به نقل از هکرها آمده است که آنها موفق شدند وارد حساب شخصی مدیر کل سابق وزارت جنگ شده و تصاویر و اسناد مربوط به او را هم منتشر و در کنار آن تصاویر و اسنادی مربوط به یک سفیر فعلی و یک وابسته نظامی سابق در ایالات متحده را هم در فضای مجازی قرار دادند، این در حالی است که اطلاعاتی در مورد اعضای خانواده مسئولین عالی‌رتبه اسرائیلی هم در این بین منتشر شده است. در ادامه نگاهی داریم به ماجرای نبردهای سایبری تازه که علیه رژیم صهیونیستی در حال انجام است. این مطلب مستند است به دو گزارش در این باره که توسط خبرنگاری «مشرق» منتشر شده است.

سایبری رژیم صهیونیستی و همچنین افشای اطلاعات وابسته نظامی رژیم صهیونیستی در آمریکا.

نباید با آتش بازی می کردید! ۲۰ گیگابایت اطلاعات لورفته مرکز فوق سری صهیونیست‌ها

در مورد اول، یعنی نفوذ به تأسیسات اتمی رژیم صهیونیستی، گروه هکری حنظله اعلام کرده است: «گروه حنظله در عملیاتی پیچیده ضمن نفوذ به شبکه داخلی واحد ایمنی مرکز تحقیقات هسته‌ای دیمونا توانست بیش از ۲۰ گیگابایت اطلاعات فوق سری این مرکز را به دست آورد. در روزهای آینده خواهید فهمید که نباید با آتش بازی می‌کردید!» این گروه هکری روز بعد با انتشار تصاویری از اطلاعات سایت هسته‌ای نیروهای حاضر در آن نوشت: «ما حتی می‌دانیم که کدام اتاق‌ها، بلوک‌ها، لوله‌ها و تانک‌ها را منفجر کنیم تا بیشترین ضربه را به شما رژیم! بازی با آتش عواقب زیادی دارد! روزهای سختی در پیش روی شما و ساکنان سرزمین‌های اشغالی است!»

چرا ضربات حنظله سنگین است؟ نفوذ به تأسیسات هسته‌ای محرمانه

موفقیت حمله گروه سایبری حنظله به تأسیسات هسته‌ای دیمونا و استخراج اطلاعات گسترده آن، منجر به شوک در میان سران رژیم صهیونیستی شد، چرا که فعالیت‌ها در تأسیسات هسته‌ای دیمونا در سال‌های اخیر بسیار محرمانه بوده و رژیم صهیونیستی اجازه حضور هیچ بازرسی از آژانس انرژی اتمی به منظور بررسی این مرکز هسته‌ای را نداده و هیچ اطلاعاتی از فعالیت‌هایی که در حال حاضر در این تأسیسات در جریان است، وجود ندارد. اما اطلاعاتی که گروه هکری حنظله طی حمله سایبری به این مرکز بدست آورده است، می‌تواند بخش بزرگی از فعالیت‌های سری رژیم صهیونیستی در این تأسیسات هسته‌ای را آشکار کند.

هیچ چیز از حنظله پنهان نیست! اطلاعات گوشی رئیس امنیت سایبری رژیم صهیونیستی

گروه هکری حنظله همچنین اعلام کرده اخیراً موفق به هک اطلاعات رئیس امنیت سایبری ارتش رژیم صهیونیستی شده و اطلاعات مهمی را در رابطه با او استخراج کرده است. گروه حنظله در کانال تلگرامی خود با قرار دادن بخشی از اطلاعاتی که از گوشی آیهود شانی بدست آمده است، نوشته «این آیهود شانی، فرمانده امنیت سایبری ارتش اسرائیل است! او در تروورهای اخیر رژیم صهیونیستی نقش بسیار پررنگی داشته است! اما هیچ چیز از حنظله پنهان نیست! انتظار می‌رود داده‌های زیادی فاش شود! آیهود مسئول ردیابی‌ها و عملیات‌های استراق سمع بسیار مهمی بوده است! ما حتی

افزایش چشمگیر تهدیدات سایبری اعتراف روزنامه صهیونیستی گالوبس

طی یک سال اخیر و جنگ رژیم صهیونیستی در غزه و جنوب لبنان، حملات سایبری نیز که همواره یکی از حوزه‌های اصلی درگیری محسوب می‌شود، به شکل قابل توجهی رشد تصاعدی داشته و در حملات متفاوت سایبری، ضربات سختی به رژیم صهیونیستی وارد شده است. در واقع حملات مکرر سایبری به رژیم صهیونیستی طی یک سال گذشته، این رژیم را در برابر نبردهای سایبری ضعیف کرده و با چالش‌های جدیدی مواجه کرده. ماجرا به قدری مهم است که روزنامه صهیونیستی گالوبس در گزارشی به افزایش چشمگیر حجم تهدیدات سایبری علیه این رژیم اشاره کرده و نوشته شرکت‌های رژیم اعم از عمومی و خصوصی در سال‌های اخیر با حملات زیادی به سیستم‌های خود مواجه شده‌اند.

آمار حملات ۸۱ درصد افزایش داشته اعتراف شرکت فناوری نرم افزار رژیم اسرائیل

براساس داده‌های واحد تحقیقاتی شرکت فناوری نرم افزار رژیم اسرائیل (چک پوینت)، رژیم صهیونیستی در سه ماهه دوم سال جاری میلادی شاهد افزایش حملات سایبری بوده است، به طوری که میانگین تعداد حملات در هفته به ۲۲۷۸ مورد رسیده است. این آمار نسبت به سه ماهه مشابه سال گذشته ۸۱ درصد و نسبت به سه ماهه اول سال جاری میلادی ۳۳ درصد افزایش یافته است.

آبروریزی برای مقامات رژیم صهیونیستی حمله گروه هکری حنظله

پیش از شروع جنگ نیز حملات سایبری متعددی علیه مراکز امنیتی - نظامی و سازمان‌های مختلف رژیم صهیونیستی صورت گرفته بود که منجر به لو رفتن اطلاعات مهم و حساسی شده بود. امروز نیز این حملات همان‌طور که گفته شد، با قوت و شدت و همچنین دامنه گسترده‌تری از قبل ادامه دارد. به عنوان مثال تصویری از رئیس بخش امنیت سایبری ارتش رژیم صهیونیستی توسط گروه حنظله منتشر شده که مایه آبروریزی برای رژیم صهیونیستی بوده.

نفوذ به تأسیسات اتمی اسرائیل سه مورد هک در مدتی کوتاه

غیر از این رسوایی‌ها، حملات گروه حنظله علیه رژیم صهیونیستی منجر به دستیابی به اطلاعات بسیار مهم و قابل توجهی شده. در این میان، در حملات سایبری این گروه در این مدت، سه مورد هک اطلاعات بسیار قابل توجه وجود دارد که در نوع خود منحصر، مهم و قابل توجه است. نفوذ به تأسیسات اتمی رژیم صهیونیستی و هک اطلاعات مربوط به این تأسیسات و همچنین ارائه اطلاعاتی از رئیس سازمان امنیت

براساس داده‌های واحد تحقیقاتی شرکت فناوری نرم افزار رژیم اسرائیل (چک پوینت)، رژیم صهیونیستی در سه ماهه دوم سال جاری میلادی شاهد افزایش حملات سایبری بوده است، به طوری که میانگین تعداد حملات در هفته به ۲۲۷۸ مورد رسیده است. این آمار نسبت به سه ماهه مشابه سال گذشته ۸۱ درصد و نسبت به سه ماهه اول سال جاری میلادی ۳۳ درصد افزایش یافته است.



دریچه

طعم نان، بوی آوارگی

به روایت شاعری فلسطینی الاصل

کتاب «لحظه‌های غزه‌ای» با ترجمه محمدرضا ابوالحسنی به تازگی از سوی نشر «سوره مهر» چاپ شده و محصول یادداشت‌های مختلف از ساکنان غزه است. این یادداشت‌ها در سایته به نام «رصفی ۲۲» منتشر می‌شدند و تا زمانی که هنوز دسترسی مردم به اینترنت امکان داشت، گهگداری به روزرسانی داشتند. بعد از مختل شدن وضعیت اینترنت، حالا کمتر کسی می‌تواند یادداشت‌های جدیدش را روی آن بگذارد. مترجم کتاب «لحظه‌های غزه‌ای» هم یادداشت‌های همین سایت راگزینش و چند تایی از آن‌ها را ترجمه و منتشر کرده. یکی از این یادداشت‌ها مربوط است به فاتحه الغزه. او خانمی فلسطینی الاصل است که در بلژیک زندگی می‌کرده اما برای دیدن خانواده به غزه آمده و آنجا گرفتار شد. این خانم خودش شاعر است و مدتی را به ناچار در غزه می‌ماند و شهادت آشنایان و خانواده‌ها و دوستانش را از نزدیک می‌بیند. بعد هم در نهایت بالاخره می‌تواند از طریق سفارت بلژیک به آنجا برگردد. در بخش‌هایی که در ادامه می‌خوانید به نامی به اسم «لمار» برمی‌خورید که دختر برادر این شاعر است؛ دختری ۱۱ ساله که البته مشخص نیست تا الان زنده مانده باشد و به دست جنایتکاران صهیونیست به شهادت نرسیده باشد.

حتی نانوایی‌ها را بمباران کردند!

لمار! با وزن هر نسیمی که بوی نان تازه را به من می‌رساند مشامم تحریک می‌شود. می‌توانم دنبال بوراه بیفتم و تا رسیدن به یکی از اتاق‌های طبقه‌ای که در آن پناه گرفته‌ایم تعقیبش کنم. هرچند که مقایسه بین بوی نان پخته شده در قابلمه برقی با بوی نانی که مادر بزرگت در آن تنور گلی می‌پخت، مقایسه ظالمانه‌ای است؛ البته اگر اساساً چنین مقایسه‌ای اتفاق بیفتد. تنوری که او با دستان پر از رگ - که الان دستان من عین آن دست‌ها شده. در فضای کوچک پشت خانه درست کرده بود و من سیب‌زمینی‌های کوچک را با تخم‌مرغ‌هایی که در کاغذ شسته شده کیسه‌های سیمان پیچیده و آماده کرده بودم داخل زغال‌های گداخته تنورش می‌گذاشتم تا بدون آنکه بسوزد، بپزند. دربار طعمش موقع گذاشتن توی دهان چیزی نمی‌گویم! چون حکایت دیگری است که حتی فرصت یادآوری‌اش را ندارم. لمار! بوی نان، آن هم وقتی برشته و سرخ شده از دل آتش بیرون می‌آید، با بهترین نان‌های فرانسوی برابری می‌کند. بوی نانی که در راهروی بیمارستان می‌پیچد هم برای من طعم جدیدی دارد. عزیزم! می‌دانی؟ آنها نانوایی‌ها را که مردم برای یک بسته نان مقابل‌شان صف می‌کشیدند بمباران کردند. یک بسته نان که حتی برای وعده ناهار این همه دهانی که قابلیت رشد سریع‌تر از خود در جنگ را هم دارد کفایت نمی‌کند! آن هم در صف‌هایی حوصله سربر، تحریک‌کننده، خنده‌دار و درعین حال ستیزه‌جویانه و بغض‌آلود. دست‌هایی که برای رسیدن به یک بسته نانی که متعلق به او بود، یا پس زدن دستان دیگری که نوبت را رعایت نمی‌کردند دائم درگیر بودند. برای همین هم بود که یک‌باره دیدن زنانی که خمیر نازک شده و چانه شده را روی بالش حمل می‌کنند زیاد شد؛ خمیرهایی نازک که با تکه پارچه‌ای که معمولاً همان روسری نماز است رویش را می‌پوشانند. همان روسری که احتمالاً بدون آنکه بشویند دوباره استفاده می‌کنند. حالا اگر بوی خمیر هم داد عیبی که ندارد.

مردها چطور نان می‌پزند؟

اینجا همه خمیرکودن و پختن نان را بلدند، حتی جوانانی که زخمی‌های زنده مانده از بمباران را همراهی می‌کنند، یا جوانانی که با خانواده‌های‌شان آوار شده‌اند. شب‌ها موقعی که بمباران شدیدتر می‌شود و جروبخت و بازی و شب‌نشینی لذت‌بخش‌تر، یکی‌شان یک الک و مشتت خمیرمایه از یکی از خانواده‌های ساکن طبقه خودش قرض می‌گیرد و دیگری داوطلبانه آرد می‌آورد؛ البته بعد از توصیه‌های موکد مادرش به اینکه مقداری آرد برای غذای فردا جایگذارد. اینجا همه با اطمینان عجیبی از فردا حرف می‌زنند. نمک را در دستمال‌های کاغذی جمع می‌کنند و آن را گاهی با کمی فلفل قرمز پودر شده، ولو با آب مخلوط شده باشد، معاوضه می‌کنند. من از اتاقی که در آن دراز کشیده‌ام و روبه روی راهروست نگاه‌شان می‌کنم. مواد اولیه را در یک ظرف پلاستیکی می‌ریزند و خمیر درست می‌کنند. بعد یکی‌شان آب می‌ریزد، آن یکی خمیر درست می‌کند و دیگری وردنه و تخته را حاضر می‌کند برای پهن کردن خمیر. چنان‌هم هماهنگ در نقش مادران یا همسرانشان فرو رفته‌اند که انگار این نقش‌ها را از ازل بازی می‌کرده‌اند. با ناز و کرشمه می‌گویند: «درست خمیر کن خوش‌گله.»

نانی آمیخته به خون

خنده‌های از ته دل را می‌شنوی، آمیخته به عطر نانی که الان وارد مشامم می‌شود؛ آمیخته با بوی خونی که راهرو را پر کرد بعد از آنکه ترکش به جوانی خورد که «برای مادرش غیرتی شده بود»؛ آمیخته با صدای گلوله‌های توبی که ناگهان شلیک می‌شوند و همان لحظه جوانی دوستش را که در اثر ضربه کمی از جایش بالا چپیده از پشت تکان می‌دهد که «مواطب باش!» و دوباره صدای خنده بالا می‌رود.

عشق فلفل تند

در اولین روزهای اقامت‌مان در بیمارستان، سبزیجات هنوز به آوارگان می‌رسید؛ آن وقت‌ها مسیرهایی برای رسیدن به بیمارستان وجود داشت. همان‌طور که بوی سرخ‌کردن گوجه‌فرنگی

با مخلفات دیگرش همچون نسیمی می‌وزید. اگر کسی چند پر سیرداشت تا برای بهتر کردن طعم و عطرش به آن اضافه کند خوش‌شانس به حساب می‌آمد. بوی سیری که به تمام طبقات سرایت می‌کرد. طوری که صداهایی را می‌شنیدی که دارند از منشا بو پرس‌وجو می‌کنند. یا مردانی را می‌دید که بینی‌شان آن‌ها را در راهروها به دنبال خودش می‌کشد. ولی تا به احمد. همسایه ماتوی طبقه... از هر تابه دیگری سر بود؛ تابه حاوی فلفل سبز با کمی گوجه‌فرنگی که با بینی همه ساکنان طبقه بازی می‌کرد! اول شروع می‌کردند به عطسه و بعدش آبریزش بینی همراه با راه افتادن آب دهان؛ تو هم مثل من اهل غزه هستی لمارو مثل من عاشق فلفل تند! این نشانه شاخص غزه است. یک غزای شاید بتواند از خیلی خوراکی‌ها بگذرد، اما از فلفل قرمز نه، خصوصاً اگر آسیاب شده باشد. کافی است که در فصل فلفل به غزه بیایی تا جعبه‌های چیده شده فلفل روی هم رابینی. همه هم مصرف یک سال‌شان را خریداری می‌کنند. در فصل فلفل قرمز، بوی غزه را استشمام می‌کنی.